

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیامک ستوده

اول ماه می ۲۰۱۲

روز جهانی کارگر و وظیفه واقعی ما

برای بسیاری روز جهانی کارگر که یادآور مبارزه کارگری و ضرورت اتحاد طبقه کارگر به منظور تحقق خواست ها و مطالباتش می باشد، فراتر از دادن بیانیه ای در گرامی داشت این روز و تأکید بر ضرورت اتحاد کارگری تا سال بعد نمی رود. در حالی که اتحاد طبقه کارگر نه با صرف توصیه و تأکید این و آن، بلکه تنها از طریق خودآگاهی طبقه کارگر حاصل شدنی است. مبارزات پراکنده اقتصادی و خودبه خودی معمولاً نتیجه آنست که درک کارگران از منافع خود فراتر از منافع آنی، لحظه ئی و گروهی آنها نرفته است. منافعی که نه بیانگر همبستگی و وحدت کل طبقه کارگر، بلکه همبستگی های گروهی و پراکنده آنان می باشد.

وقتی کارگران یک کارخانه برای افزایش مزد خود دست به مبارزه می زنند، این مبارزه قبل از هر چیز بیانگر درک آنها از منافع مشترک خود به عنوان کارگران فقط یک کارخانه و یک واحد، و نه کل طبقه کارگر می باشد. در حالی که اگر کارگران در پی خواست عمومی تری مانند تغییر قانون کار و ... می بودند، خودآگاهی خود از اشتراک نفع دایره وسیع تری از کارگران، یعنی ضرورت مبارزه سیاسی و لزوم به میدان کشیدن کل طبقه را برای چنین خواستی به منصفه ظهور می رساندند.

همینطور، وقوف کارگران به این که انقلاب کارگری در یک کشور در همان محدوده باقی نمانده و اغلب به یک انقلاب جهانی منجر می گردد، ضرورت به میدان کشیدن کل طبقه کارگر جهانی و اتحاد کارگران در چنین مقیاس عظیمی را به آنها تفهیم و در دستور کارشان قرار می دهد. به این ترتیب است که اتحاد کارگری نه از طریق صرفاً توصیه و تأکیدات گروههای سیاسی در بیانیه های مکرر و گاهی خسته کننده سالیانه شان، بلکه تنها از طریق تلاش مستمر و زنده، در فاصله میان این شادباش گونی های سالیانه، برای بالابردن واقعی خودآگاهی توده کارگر به منافع هر چه مشترک تر، وسیعتر و عمومی تر خود قابل حصول می باشد. آگاهی تا حدی که به میان توده ها برود به نیروی مادی برای تغییر وضعیت آنها تبدیل می گردد. وگرنه در حد فعالیت و تولیدات اکادمیک که هیچ ربطی به پراکسیس انقلابی ندارد، باقی می ماند. سیامک ستوده